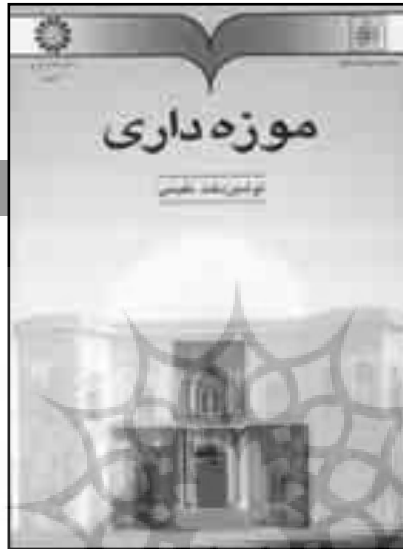


موزه‌داری



○ موزه‌داری

○ نویسن دخت نفیسی
○ سازمان مطالعه و تدوین
○ کتب علوم انسانی دانشگاهها
(سمت) و سازمان میراث
○ فرهنگی کشور، ۱۳۸۰

○ دکتر ناصر نوروززاده چگینی

رنگی هم استفاده شده است. فصل اول به تاریخچه موزه در جهان و ایران و انواع آن‌ها می‌پردازد (ص ۳ تا ۲۹). بخش موزه‌های جهان بسیار کوتاه و مجمل است و بخش موزه‌های ایران بیش از آنکه به تاریخچه گردآوری و توجه ایرانیان به مفهوم موزه و آثار باقیمانده از گذشته مخصوصاً در سده‌های اخیر بپردازد به شکل‌گیری اولین موزه به معنای اروپایی‌ای از زمان ناصرالدین شاه تا جدیدترین موزه‌های برپا شده در کشور پرداخته است.

با توجه به اشتغال طولانی مؤلف در موزه، نکات مفیدی در خصوص تاریخچه موزه‌های ایران در اختیار خواننده قرار می‌گیرد. وی درخصوص وضعیت فعلی موزه‌های کشور اطلاعات ارائه شده را کامل ندانست. توصیف نویسنده از شکل‌گیری و گردآمدن اشیای موزه ملی ایران مفید و قابل توجه است. بدین ترتیب که موزه در ابتدا با ۲۷۰ قلم شیء آغاز به کار کرد و سپس اشیائی از آستانه شیخ صفی در اردبیل، ایبانه، آرامگاه شاه‌عباس دوم صفوی در قم، کاخ گلستان، چینی‌خانه موقوفات اردبیل و اشیای اهدایی و آثار و قطعات انتقالی از ابنیه باستانی بدان افزوده شد. مؤلف به حجم اشیای خریداری شده قبل از دهه ۱۳۴۰ ه. ش به خوبی اشاره نکرده و نیز توضیح نمی‌دهد که بخش اعظم اشیای موزه، حاصل اجرای حفریات علمی دولتی است و جز در مواردی آن هم قبل از دهه ۱۳۴۰ ه. ش بدین کار (خرید اشیاء) اقدام نشده است.

مؤلف از موزه ملی ایران با عنوان موزه مادر یاد می‌کند؛ ولی بدین موضوع اشاره ندارد که بعد از تأسیس سازمان میراث فرهنگی در

نیز دانشجویان کاردانی رشته باستان‌شناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان را از قلم انداخته است.

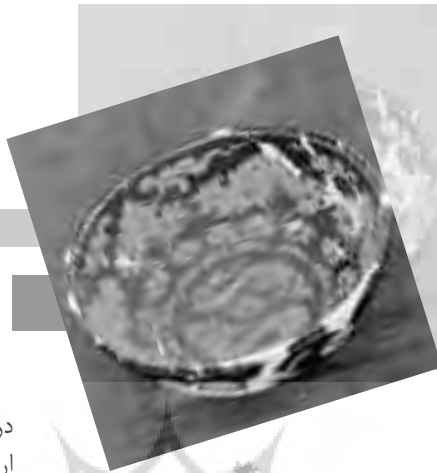
۲. ارائه کتابی آموزشی و آگاهی‌دهنده برای کلیه موزه‌داران در هر رشته و نهاد و براساس آنچه «یک موزه‌دار باید بداند». البته بنظر می‌رسد این ادعای مؤلف با هدف اول هماهنگی ندارد؛ زیرا اولاً، زمینه‌های موردنیاز هر گروه، یکی در بخش آموزش و دیگری در امر پژوهش و عمل به وظایف، متفاوت است. ثانیاً، موزه تنها در حوزه علوم انسانی و میراث فرهنگی نیست و حوزه‌های دیگر آموزش و پژوهش موزه‌داری مثل موزه‌های علوم طبیعی موزه‌های علم و صنعت و... نیز وجود دارد و کتاب می‌بایست به چنین حوزه‌هایی نیز می‌پرداخت. افزایش روزافزون موزه‌های تخصصی و توجه به بقایای حیات فرهنگی، صنعتی، سیاسی و اقتصادی و اجتماعی بشر در دو قرن گذشته و بهره‌گیری از امکانات علمی و فنی در شناخت گذشته لزوم توجه به حوزه‌های خارج از علوم انسانی در امر موزه و موزه‌داری را ضروری ساخته است. کتاب دارای چهار فصل است و از تصاویر

مؤلف کتاب موزه‌داری دارای بیش از سی سال سابقه تدریس در دانشگاه‌هاست و بنابر سالها اشتغالش در موزه ایران باستان مستقیماً با مسائل موزه و موزه‌داری در ایران در تماس بوده است. این کتاب با همکاری سازمان میراث فرهنگی یعنی اصلی‌ترین متولی موزه و موزه‌داری انتشار یافته است و هدف از نشر آن، بهره‌گیری مناسب از امکانات مراکز دانشگاهی و پژوهشی برای ارتقای کمی و کیفی منابع درسی است.

مؤلف محترم می‌گوید: هدف از نوشتن کتاب، آموزش موزه‌داری به دو گروه خواستار آن است:

۱ - تدریس دو واحد موزه‌داری عمومی گروه باستان‌شناسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران و گروه‌های مختلف دانشگاه هنر در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد و با گرایش باستان‌شناسی، تاریخ، هنرهای سنتی و مردم‌شناسی (رسالت دانشگاهی).

البته در این خصوص، مؤلف، دانشجویان رشته کارشناسی موزه‌داری مرکز آموزش عالی میراث فرهنگی و دانشجویان باستان‌شناسی دانشگاه آزاد را در تهران، ابهر، کازرون و...



درخصوص فضای فیزیکی و عملکرد موزه به ارائه فرمهایی در صفحات ۷۱، ۷۸ و ۸۱-۹۱ بسنده کرده است. فرمهای ارائه شده نمونه‌هایی است که کارشناسان سازمان میراث فرهنگی مخصوصاً در طی دهه ۱۳۷۰ ه. ش تهیه کرده‌اند و به کار می‌برند.

فصل چهارم به موضوع آموزش در موزه‌ها اختصاص دارد و صفحات ۱۲۰ تا ۱۴۷ را دربرمی‌گیرد و در پایان فهرستی از اهم موزه‌های کشور در ۱۳ صفحه (۱۴۸-۱۶۰) ارائه شده است.

طبق نظر مؤلف محترم کتاب دارای دو جنبه آموزشی خاص دانشگاهی و آموزش عمومی و مورد استفاده مراکز پژوهشی و موزه‌داران است. ضمن تقدیر از زحمات مؤلف و سازمانهای انتشاردهنده این کتاب باید صمیمانه و صریح اذعان کرد که کتاب در هر دو رسالت خود موفق نبوده و جوابگوی نیازهای رو به رشد آموزشی و پژوهشی موزه و موزه‌داری نیست.

از نظر آموزشی و دانشگاهی، این کتاب بسیار مختصر و از مباحث اصولی و نظری درخصوص اهداف و دلایل ارائه خدمات موزه‌ای خالی است و دانشجویان با مباحثی کوتاه و بعضاً کلیشه‌ای رو به رو هستند. از نظر پژوهشی و کاربرد آن در میان موزه‌داران نیز قادر به ایجاد شرایط مقبولی نبوده است. با توجه به دانش و تجربه مؤلف، امید می‌رفت که این کتاب، جدا از گردآوری و تدوین مدارک و مطالب به چاپ رسیده قبلی، اطلاعات و مباحث جدیدی را عرضه می‌کرد و دانشجویان

سال ۱۳۶۷ شمسی و ایجاد مدیریتهای استانی میراث فرهنگی در مراکز استانها، موزه ملی ایران دیگر مصداق چنین عنوانی نیست؛ و از آن سال به بعد، طبق ضوابط، کلیه اشیای به دست آمده در سطح استان از توقیف تا آثار به دست آمده از حفاریات علمی می‌بایست در استان باقی بماند و شماره اموالی استان بر آن الصاق شود. بدین ترتیب، موزه ملی ایران از دریافت آثار و مجموعه اشیای جدید محروم مانده و امتیازات اصولی خود را از دست داده است.

از دیگر موارد قابل اشاره در این بخش عبارتند از:

۱. در موزه ملی، امروزه جهت خنک کردن سالنها از پنکه سقفی استفاده نمی‌شود (ص ۱۶).

۲. نام صحیح محلی که در اوایل دهه ۱۳۷۰ مجموعه‌ای از اشیای نقره‌ای از آنجا به دست آمد کلماکره است و نه کلمان کره.

۳. تالاری که سالها به تالار اردبیل معروف بود و بخش اعظمی از چینیهای انتقالی از بقعه شیخ صفی در آن به نمایش گذاشته شده بود امروزه با انتقال اشیای اسلامی به ساختمان موزه اسلامی، دیگر وجود خارجی ندارد و معدودی از آن اشیاء در موزه جدید به نمایش گذاشته شده است.

۴. سازمان میراث فرهنگی کشور از سال ۱۳۷۵ نام «گنجینه» را معادل موزه به کار برد؛ نامی که بدون کارشناسی لازم و عدم مقبولیت لازم در میان عامه مردم و کارشناسان در سطح موزه‌های تحت تولیت سازمان میراث فرهنگی

به کار رفت.

۵. مؤلف محترم اشاره دارند که از سال ۱۳۵۲ ه. ش به بعد هیأت‌های خارجی که در ایران کار می‌کردند مجوز خروج قطعات مطالعاتی به دست آمده را دریافت کردند. در صورتی که بعد از انقلاب اسلامی و تشکیل سازمان میراث فرهنگی کشور اولاً، تا دو سال اخیر هیچ هیأت خارجی در این زمینه در کشور فعالیت نکرده است و ثانیاً، هرگونه همکاری با هیأت‌های خارجی در قالب همکاری مشترک بوده و طرف خارجی مجاز به خروج هیچ‌گونه شیئی از کشور نبوده است.

فصل دوم از ص ۳۰ تا ۴۲ به دانش موزه‌داری پرداخته و طی آن اصطلاحاتی چون موزه اوگرافی به معنای موزه‌نگاری و موزه‌اولوژی به معنای موزه‌شناسی تعریف شده است. البته به معادل اصطلاح موزه‌داری اشاره‌ای ندارد.

فصل سوم از ص ۴۳ تا ۱۱۹ به بحث ساختار و عملکرد موزه پرداخته و ضمن بحث



و کارشناسان و متولیان موزه‌ها امکان بهره‌گیری از مطالب جدید را می‌داشتند. با نظری به کتابشناسی کتاب می‌توان دریافت که چرا کتاب قادر به اجرای رسالت‌های اعلام شده مؤلف و سازمان‌های انتشاردهنده نیست.

در پایان، نظر خوانندگان را به دستورالعملی جلب می‌کند که در سال ۱۳۳۸-۱۳۳۹ درباره وظایف شورای عالی باستان‌شناسی و صورتجلسات هفت‌گانه شورای مذکور راجع به اشیای عتیقه موزه ایران باستان تدوین شده است و تحت سند شماره ۱۳۵ در کتاب تازه انتشار یافته باستان‌شناسی در ایران (۱۳۸۰) از معاونت خدمات مدیریت و اطلاع‌رسانی دفتر رئیس‌جمهوری و در صفحات ۴۴۷-۴۴۸ به چاپ رسیده است. نتیجه‌گیری با خود شماس است.

سند شماره ۱۳۵

دستورالعمل و شرح وظایف شورای عالی باستان‌شناسی، به انضمام صورتجلسات هفت‌گانه شورای مذکور راجع به اشیای عتیقه موزه ایران باستان [شیر و خورشید] وزارت فرهنگ

شورای عالی باستان‌شناسی

به منظور نظارت و پیشرفت امور باستان‌شناسی و موزه‌ها شورایی به نام شورای عالی باستان‌شناسی در موزه ایران باستان تشکیل می‌گردد.

اول - اعضای شورای عالی باستان‌شناسی (۱) وزرای فرهنگ و دارایی و یا قائم‌مقام هر یک از ایشان

(۲) نماینده انجمن آثار ملی
(۳) مدیرکل فنی موزه ایران باستان و رئیس اداره کل باستان‌شناسی
(۴) یک استاد باستان‌شناسی و یک استاد هنرهای زیبا در رشته معماری از استادان دانشگاه تهران با انتخاب شورای دانشگاه
(۵) چند نفر متخصص باستان‌شناسی اعم از داخلی و خارجی

تبصره (۱) تعداد اعضای شورا حداکثر ۱۲ نفر می‌باشد و شورا می‌تواند در صورت لزوم برای مطالعه راجع به مسائل مخصوص علمی از نظر مشورتی متخصصین دیگر استفاده نمایند.
تبصره (۲) رئیس اداره کل باستان‌شناسی سمت دبیر شورا را خواهد داشت.

تبصره (۳) اعضای شورای عالی باستان‌شناسی سمت افتخاری داشته و بنا بر دعوت وزیر فرهنگ برای مدت یک سال انتخاب می‌شوند و تجدید انتخاب آنان نیز ممکن خواهد بود.

دوم - وظایف شورای عالی باستان‌شناسی شورا هفته [ای] یک بار در موزه ایران باستان به ریاست وزیر فرهنگ و یا قائم‌مقام ایشان تشکیل می‌گردد و در امور مربوط به باستان‌شناسی و موزه از آن جمله موارد زیر بررسی و اقدام می‌نماید:

(۱) نظارت در امر نمره‌بندی و ثبت و عکسبرداری و حفاظت و نگاهداری اشیای عتیقه.

(۲) نظارت در امر ارزیابی و خرید اشیای

عتیقه
(۳) نظارت در امور حفاریها و اشیای وارده به موزه
(۴) نظارت در حفاظت و تعمیر آثار قدیم تاریخی
(۵) نظارت در اجرای مقررات قانون حفظ آثار عتیقه و آیین‌نامه‌های مربوطه
(۶) بررسی در مورد آموزش و تکمیل کادر فنی باستان‌شناسی

(۷) رسیدگی به نظرات و پیشنهادهای و حوائج موزه‌های تهران و شهرستانها و اداره کل باستان‌شناسی

(۸) رسیدگی به امور نمایشگاههای موزه ایران باستان در داخل یا خارج کشور

(۹) بررسی در مورد انتخاب و شرکت نمایندگان موزه در کنفرانسها و کنگره‌ها
(۱۰) اظهارنظر درباره کسانی که برای تصدی ریاست اداره کل باستان‌شناسی از طرف وزیر فرهنگ نامزد می‌شوند.

(۱۱) بررسی پیشنهادهای رئیس اداره کل باستان‌شناسی درباره رؤسای بخشهای موزه و رؤسای باستان‌شناسی شهرستانها و بازرسان ناظر در حفاریها و تصویب آنها با موافقت وزیر فرهنگ

تبصره) دستور اجرای پیشنهادهای و طرحهای مصوب شورای عالی باستان‌شناسی را وزیر فرهنگ که سمت ریاست شورا را نیز دارا می‌باشد صادر می‌نمایند.